روزنامه شرق

جامعه

پاکستان سرزمین سوءمدیریت‌های سیاسی — صفحه ۸

سفر به یونان مهد دموکراسی — صفحه ۹

روایت گیزلا وارگاسینایی از مهاجرت و رابطه هنر و اجتماع — صفحه ۱۰

عکس: ایسنا

دبیرکل «شورایعالی امور ایرانیان خارج از کشور» در گفت‌وگو با «شرق»:

خارج‌نشینان تلفن کنند مشکلشان را پیگیری کنیم

صدرا محقق

جواد قوام‌شهیدی؛ دوم آذر سال گذشته با حکم محمد شریعتمداری، معاون و جانشین رییس‌جمهور در «شورایعالی امور ایرانیان خارج از کشور» به‌عنوان «دبیرکل» این شورا منصوب شد. «شورایعالی امور ایرانیان خارج از کشور» در دولت قبل یکی از بحث‌برانگیزترین و پرحاشیه‌ترین نهادهای دولتی به‌حساب می‌آمد. به همین دلیل هم هر اقدامی که از سوی این مرکز انجام می‌شد، حاشیه‌ساز می‌شد و اغلب در صدر اخبار رسانه‌ها جایی برای خود باز می‌کرد. برگزاری همایش‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور، یکی از همین اقدامات بود. اما در دولت «تدبیر و امید» کمتر خبری از «شورایعالی امور ایرانیان خارج از کشور» به‌گوش می‌رسد. از آنجا که بر اساس آمارهای وزارت امورخارجه، پنج تا هفت‌میلیون ایرانی ساکن خارج از ایران هستند و پیگیری و رسیدگی به مسایل مرتبط با آنان، وظیفه همین شوراست، معنای این سکوت خبری چیست؟ آیا وظایف محوله به این شورا از اولویت دولت یازدهم خارج شده و شورا، منفعل و حاشیه‌نشین شده است؟ قوام‌شهیدی، ارزیابی متفاوتی از ریشه این رخداد دارد: «ما به‌دنبال کار نمایشی نیستیم و می‌خواهیم اقدامات زیربنایی انجام دهیم.» برای کنکاش پیرامون آنچه در «شورایعالی امور ایرانیان خارج از کشور» می‌گذرد، سراغ دبیرکل آن رفتیم. مشروح گفت‌وگو با جواد قوام‌شهیدی را در ادامه بخوانید:

در زمان دولت سابق وقتی همایش‌های ایرانیان خارج از کشور برگزار می‌شد همیشه یکسری شایعات و حاشیه‌ها، هم در رسانه‌ها و هم در افکارعمومی پیرامون آن پخش می‌شد، یکی در رابطه با افراد دعوت‌شده و دیگری درباره میزان هزینه‌های برگزاری این همایش‌ها. در این رابطه شما چه اطلاعاتی دارید، آیا آماری از میزان هزینه‌ها وجود دارد؟

نه من آمار و اسنادی در این رابطه ندارم، دلیل آن هم این است که مشکلاتی در شورا پیش آمد و مرکز چندروزی حالت تعطیلی کامل پیدا کرد که نیروهای نظارتی آمدند و بخشی از اسناد و مدارک را پلمب کردند. من هم به همین دلیل به اسناد و مدارک دوره قبل دسترسی ندارم، در این‌باره بیشتر دستگاه‌های نظارتی اطلاع دارند.

این اتفاق در دوره انتقالی رخ داد؟

نه در دوره دولت قبلی و بعد از برگزاری همایش دوم بود که همین نگاه همراه با ابهام باعث شد بررسی بیشتری بشود، این بررسی با یک چک فیزیکی نیز همراه شد که نهایتا منجر به این شد که اسناد و مدارک به خود شورا برنگردد و الان در دسترس مانیست.

شما الان از سرنوشت آن اسناد اطلاعی دارید که کجا هستند؟

دست نیروهای نظارتی است که اینجا را حسابرسی می‌کردند.

نتیجه حسابرسی چه‌موقع اعلام می‌شود، آیا در این‌باره به شما اطلاعاتی داده می‌شود؟

نه ضرورتا چون من در آن دوره مسوولیتی نداشتم، معمولا پایان هرسال حساب‌ها بسته و حسابرسی می‌شود، بودجه و هزینه‌های اینجا از محل هزینه‌های نهاد ریاست‌جمهوری بوده و مسوولان نهاد در دولت گذشته تصمیم‌گیر بودند، مثلا اگر در مورد خارج از کشور هزینه‌ای شده است بین نهاد، وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌ها تعیین می‌شد؛ بنابراین در اینجا آمار قابل اطمینان و موثقی وجود ندارد.

در برخی دستگاه‌های دولتی مسوولان کنونی از پیش‌خورکردن هزینه‌ها و بودجه‌ها توسط دولت قبل خبر می‌دهند، یعنی از قبل هزینه‌هایی تراشیده شده که هم‌اکنون باز پرداختشان برعهده مسوولان کنونی است، آیا اینجا هم چنین موردی بوده است؟

من شاهد دو، سه مورد کوچک بودم که افرادی مطالباتی از گذشته داشتند، یا در همین همایش‌ها توافقاتی با آنها شده بود و حالا مراجعه کرده و درخواست دریافت مطالباتشان را داشتند که ما هم آنها را به مرجع رسیدگی‌کننده فرستادیم.

در رابطه با نحوه دعوت از افراد در دولت قبل چه اطلاعاتی دارید، اینکه گفته می‌شد برخی از دعوت‌شدگان حاشیه‌هایی داشتند و...؟

فهرست افراد دعوت‌شده همه طیف‌ها را شامل می‌شد، از افراد سرشناس و موثر تا افراد غیرمرتبط که گفته می‌شود در میان دعوت‌شدگان بوده‌اند، اما اینکه با اطمینان بتوان گفت فردی نابجا دعوت شده لازمه‌اش این است که درباره آن فرد تحقیق کامل انجام و پیشینه‌اش بررسی شود، البته من این کار را نکردم چون وظیفه من هم نبود و نیست که بروم میهمانان گذشته را یکی‌یکی بررسی کنم، چنین ماموریتی هم البته به من داده نشد.

در دهه گذشته اتفاقی که افتاد در برهه‌ای، امید زیادی برای ایرانیان خارج از کشور درست شد. یعنی در جاهایی ایرانیان خارج از کشور مخاطب قرار گرفتند و در بعضی جاها نیازهایشان پررنگ شد و آنها امیدوار شدند که می‌توانند از ظرفیت‌های داخل استفاده کنند عملا بعد از چندبار، همایش‌ها به‌دلایل مختلف آنچه که وعده داده شد، عملی نشد و آن شیب انتظاری که برای ایرانیان خارج از کشور درست شده بود، با داخل و با ارکان مختلف کشور هماهنگ نبود، شیب تندتری داشت و حتی در خارج در پاره‌ای مواقع بالاتر از انتظارات افراد خارج از کشور بود.

می‌توانید مثال ملموس بزنید از این شیب انتظاراتی که به تعبیر شما تندتر از واقعیت موجود بود؟

مثلا همان همایش‌ها شاید در آن سطح و با آن کیفیتی که برگزار شد، دستگاه‌های مختلف آن را منطبق بر واقعیت‌های موجود نمی‌دانستند.

البته این هم کلی‌گویی است و مثال ملموس نیست، اینکه می‌گویید همایش‌ها منطبق بر واقعیت‌های موجود نبود، چرا نبود، دلایل آن چه بود؟

مثلا شعارهایی که در این زمینه داده می‌شد شعارهایی بود که خیلی با سازوکارهای داخلی منطبق نبود، اینها شاید برای جلب و جذب ایرانیان خارج از کشور، روش درستی نبود، ادبیات مناسبی هم برای این کار نبود، شیب فراخوان ایرانیان به‌سوی کشور هم متناسب با نیازهای داخل و خارج نبود، وقتی شیب حالت افراطی به خود بگیرد نقدهای زیادی به آن وارد خواهد شد. ادامه این وضع باعث شد که مشکلات بیشتری بروز کند. در کشور از بحث‌های اعتقادی و ضروریات تا بحث‌های آموزشی، مالی، اقتصادی، تکنولوژی و چگونگی مشارکت ایرانیان خارج از کشور، همه مسوولیت‌هایی است که با دستگاه‌های مختلف باید هماهنگی‌های لازم صورت گیرد. اگر این پیش‌بینی‌ها به جا نشود و اگر فقط به یک‌بعد توجه شود قاعدتا موضوع با مشکل مواجه می‌شود. دلیل اینکه در یک‌سال گذشته گام‌های ما خیلی بااحتیاط برداشته شده، به‌دلیل همین ابهامات بسیار زیاد موجود است که دستگاه‌های مختلف و بعضا مسوولان خودمان و همچنین ایرانیان خارج از کشور آن اعتمادی که لازم داشتند، برایشان ایجاد نشد، بنابراین اعتمادسازی با خارج از کشور و متقاعدکردن داخل باید حتما تدریجی و با گام‌های آرام صورت گیرد تا این مرکز جایگاه واقعی خود را به‌دست آورد، ضمن اینکه من معتقدم اگر بخشی از ایرانیان خارج را در توسعه کشور دخیل کنیم، قطعا کشور بهره زیادی خواهد برد.

به‌خاطر همین پیشینه پرابهام و پرحاشیه وقتی مدیریت اینجا به شما پیشنهاد داده شد و اکنش شخصیتان چه بود، آیا استقبال کردید یا با ابهام و اکراه پذیرفتید؟

بسیار ابهام داشتم و قرار نبود برای ماندن در اینجا بیایم، قرار بود در چند دستگاه و نحوه وظایف و عملکردشان بازنگری‌هایی صورت گیرد که یکی هم، اینجا بود، آن مجموعه‌ها قرار بود با دستور ریاست‌جمهوری بازنگری‌هایی در وظایفشان صورت گیرد، هم برای کوچک‌سازی و هم برای اینکه در صورت نیاز در دیگر دستگاه‌ها ادغام شود. ابتدا نظر خود من هم همین بود که اینجا با جاهای دیگر ادغام شود اما با مطالعاتی که در ادامه انجام دادیم متوجه شدیم اینجا بهتر است به همین شکل بماند، چون بخش زیادی از وظایف اینجا در حوصله و زمره کارهای وزارت امورخارجه نیست.

رویکرد اینجا قبل از دولت روحانی برگزاری همایش‌ها و... بود سبک کار شما در شورا چگونه خواهد بود، آیا رویه برگزاری همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور را دنبال خواهید کرد؟

ما تاکنون که همایشی نداشتیم، به‌نظرم همایش باید خروجی کارهای زیربنایی باشد، با همایش تنها نمی‌توان وظایف مربوط به ایرانیان خارج از کشور را اجرایی کرد، معتقدم ما در اینجا دو وظیفه داریم؛ یکی خدمت‌محور است که به آنها خدماتی بدهیم مثل خدمات کنسولی هویتی، حقوقی و... یکی هم رویکرد فرصت‌محور است، یعنی ایرانیان خارج از کشور را به چشم فرصت برای کشور ببینیم که باید از پتانسیل آنها که بسیاری از آنها هم افراد تاثیرگذاری هستند استفاده کنیم. برای این کار هم باید اعتمادسازی گسترده‌ای صورت گیرد، باید در بخش‌های حقوقی و در تسهیل رفت‌وآمد کار کنیم، همچنین در اعطای خدمات به آنها و چگونگی مشارکت آنها در عرصه ملی تعاریف مشخص داشته باشیم. مجموعه این اقدامات زیرساخت‌هایی است که در انتها می‌تواند به همایش ختم شود. البته من به آن صورت عمومی و کلی که تاکنون برگزار می‌شد هم به برگزاری همایش اعتقاد ندارم و معتقدم باید همایش‌ها تخصصی باشد و به‌دنبال بین داخل و خارج ایجاد کند.

یعنی در نهایت همایش ایرانیان خارج از کشور را در داخل برگزار می‌کنید یا نه؟

قطعا همایش‌های تخصصی برگزار می‌شود اما همایش‌هایی مثل سابق به‌هیچ‌وجه برگزار نخواهیم کرد، چون دنبال کارهای نمایشی نیستیم.

چیزهایی که تاکنون گفته‌اید مثل اعتمادسازی و... بیشتر در حد ایده است، مشخصا در حوزه اجرا چه کارهایی در دست انجام دارید، می‌دانم که در سفرهای استانی رییس‌جمهور از ایرانیان مقیم خارج از کشور اهل هر استان دعوت می‌کنید تا در سفر استانی آقای روحانی را همراهی کنند، در این‌باره بیشتر توضیح دهید.

ایده حضور ایرانیان خارج از کشور در سفرهای استانی در دولت تدبیر و امید کلید خورد و در دومین سفر استانی رییس‌جمهور به هرمزگان برای بار اول هم اجرایی شد که فکر می‌کنم در آینده نتایج خوبی هم داشته باشد. البته مشارکت در امور مختلف توسط ایرانیان خارج یک‌شبه صورت نمی‌گیرد. با قول‌هایی که داده شده و مطالبی که خود ایرانیان خارج گفته‌اند و با نظر مساعد و اهمیتی که رییس‌جمهور برای ایرانیان

ما متاسفانه وارث یک بانک آماری ناقص هستیم که این یک ایراد بسیار بزرگ است؛ یعنی نه ما و نه هیچ دستگاه دیگری آمار دقیقی از ایرانیان خارج از کشور نداریم. البته شاید هیچ‌وقت هم نتوانیم این بانک آماری را تهیه کنیم چون کسب آمار یک‌طرفه امکان‌پذیر نیست، باید هر دو طرف موافق جمع‌آوری این آمار باشد

خارج قایل هستند فکر می‌کنم در آینده نتایج خوب این اقدام بیشتر خود را نشان خواهد داد.

در هر سفر به صورت میانگین چندنفر از ایرانیان خارج، رییس‌جمهور را همراهی می‌کنند؟

آمارها مختلف است، در این سفرها از ۲۰نفر حضور داشته‌اند تا حدود صدنفر.

صدنفر ایرانی خارج از کشور، در کدام سفر استانی حضور داشتند؟

در سفر به سیستان‌وبلوچستان.

یعنی صدنفر ایرانی اهل سیستان‌وبلوچستان در این سفر حضور داشتند که همه هم افراد شاخص و اهل سرمایه‌گذاری بودند؟

همه ایده داشتند و علاقمند به سرمایه‌گذاری بودند.

هزینه‌ها و انجام مقدمات برای حضور این افراد را شما تامین می‌کنید؟

نه، ما برای حضور آنها یک‌ریال هم هزینه نکرده و نمی‌کنیم. افراد با هزینه خودشان می‌آیند. یعنی آن کسی که یک بلیت رفت‌وبرگشت رایگان را غنیمت می‌شمارد، قطعا دعوت نمی‌شود.

می‌خواهید بگویید اینکه هزینه‌های سفرشان را شما پرداخت نمی‌کنید، هدفمنداست؟

بله، این کار چند دلیل دارد: اول اینکه دولت در شرایطی نیست که بتواند چنین هزینه‌هایی کند، دوم هم اینکه اگر کسی خودش را موثر می‌داند نباید چنین هزینه‌ای برایش سخت باشد. بنابراین برای مشارکت در یک امر مهم حاضر است هزینه کند. وقتی هم آنها حاضرند برای چنین چیزی خودشان هزینه کنند ارزشمند است و می‌توان بیشتر روی کسی که حاضر است چنین هزینه‌ای را بپردازد، حساب کرد.

البته در همه‌جای دنیا مرسوم است وقتی که از سرمایه‌گذاران برای حضور در جایی دعوت می‌کنند، دعوت‌کننده برایشان هزینه می‌کند اتفاقا خوب هم خرج می‌کنند، اصلا هم ایرادی ندارد، شما هم به‌هرحال از این افراد دعوت می‌کنید و شاید ترغیب شوند سرمایه‌گذاری کنند و آورده‌ای برای کشور داشته باشند. ولی خب شما از آنها می‌خواهید خودشان هزینه سفرشان را بدهند و ممکن است همین مورد کم‌اهمیت از انگیزه آنها برای آمدن بکاهد. برای ایجاد انگیزه و ترغیب آنها جهت حضور و سرمایه‌گذاری چه راهکاری دارید؟

ما هم بسته‌های تشویقی برای این افراد پیش‌بینی کرده‌ایم و هم خدمات ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاری آنها در نظر گرفته‌ایم. خود مقامات استانی هم چون علاقه‌مند به توسعه هستند با این افراد همراهی می‌کنند و همین همراهی مشوقی برای سرمایه‌گذاری آنهاست. مثلا اگر کسی بخواهد در حوزه‌ای که کم‌بازده یا دیربازده است، سرمایه‌گذاری کند و سرمایه‌گذاران داخلی خیلی تمایلی به انجام آن ندارند استانداری و مسوولان اقتصادی استان به روش‌های مختلف، همراهی کرده و سرمایه‌گذاری آنها را تسهیل می‌کنند.

تا الان از افرادی که دعوت شده و در سفرهای استانی حضور داشته‌اند کسانی هم بوده‌اند که اعلام آمادگی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی کرده باشند؟

بله، اجازه دهید فقط یکی از این موارد را ذکر کنم. فردی از ایرانیان خارج از کشور در سفر استانی رییس‌جمهور به چهارمحال‌وبختیاری آمادگی سرمایه‌گذاری در یک پروژه چهارفازی را اعلام کرد که این پروژه شامل آب‌شیرین‌کن، تولید برق از زباله و گرفتن CO_2 و جامدکردن آن برای ایجاد نفت‌خام و... است که همه هم قرار است با تکنولوژی جدید انجام شود. چندین پروژه دیگر هم هست که افرادی پیشنهاد داده‌اند برای اجرا.

در این مورد خاص چرا شهرکرد انتخاب شده است؟ آیا این فرد اهل این استان است یا به‌دلیل پتانسیل‌های این استان، محل پروژه آنجا انتخاب شد؟

اصولا افرادی که دعوت می‌شوند برای هر سفر، اصالتا اهل همان استان هستند البته ممکن است کسی اهل جای دیگری باشد اما علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در استانی خاص باشد که حتما دست رد به سینه‌اش زده نمی‌شود.

این پروژه‌ها در حد ایده است یا وارد فاز اجرایی هم شده است؟

در مورد اینها مذاکره شده است، بعضی از پروژه‌ها جرقه و ایده اولیه آنها در سفر زده می‌شود، برخی در سفرها پتانسیل‌های استان به اطلاع آنها رسانده می‌شود و آنها تمایل خود برای سرمایه‌گذاری در بخش موردنظرشان را پیشنهاد می‌دهند و...

تا حالا پروژه‌ای بوده که حاصل همین سفرهای استانی باشد و وارد فاز اجرایی شده باشد؟

بله، مواردی داریم که الان در مرحله گرفتن مجوزهای لازم هستند؛ مثل همین پروژه در شهرکرد که مثال زدم. در منطقه آزاد قشم هم اقداماتی برای احداث هتل از طرف یک ایرانی ساکن یونان پیشنهاد شده که در همین مرحله است. دو پروژه دیگر هم در بندرعباس که توسط ایرانیان خارج از کشور پیشنهاد شده در مرحله مشابه هستند. بخش دیگری از رابطه با ما ایرانیان خارج از کشور هم ایجاد رابطه و اعتماد دوسویه است، مثلا در یک مورد شورای ایرانیان در دوبی مقدمات سفر یک هیات از سرمایه‌گذاران فرانسوی به ایران را فراهم کردند که با اتاق بازرگانی دیدار داشتند و تفاهماتی هم صورت گرفت، در این موارد در حقیقت وظیفه ما تسهیل‌کننده این ارتباطات است.

شناسایی و ارتباط برقرارکردن و دعوت این افراد چگونه انجام می‌شود، یعنی یک فرد از مرحله شناسایی تا دعوت و حضور در ایران چه مراحلی را پشت‌سر می‌گذارد؟

ما متاسفانه وارث یک بانک آماری ناقص هستیم که این یک ایراد بسیار بزرگ است؛ یعنی نه ما و نه هیچ دستگاه دیگری آمار دقیقی از ایرانیان خارج از کشور نداریم. البته شاید هیچ‌وقت هم نتوانیم این بانک آماری را تهیه کنیم چون کسب آمار یک‌طرفه امکان‌پذیر نیست، باید هر دو طرف موافق جمع‌آوری این آمار باشند. کسی که از ایران خارج می‌شود صرفا ایرانی خارج از کشور نیست چون شما نمی‌دانید کسی که از کشور می‌رود در کشور مبدا مقیم می‌شود یا نمی‌شود و آیا به دستگاه رصدخانه شما در خارج یعنی سفارتخانه مراجعه می‌کند یا خیر. متاسفانه تعداد کسانی که به سفارتخانه‌ها مراجعه نمی‌کنند، هم کم نیستند اما در هر صورت برای دعوت از افراد ما به همین بانک آماری مراجعه می‌کنیم، بر اساس استان محل تولد و زندگی در ایران گزارش می‌گیریم و تفکیک می‌کنیم از سطح زندگی و شماره تلفن و... پایگاه‌های اجتماعی و... تا حدودی قابل‌تشخیص است. در مرحله بعد با بانک آماری و دستگاه‌های مختلف استان اسم‌ها را چک می‌کنیم. این اسامی در چند مرحله پالایش می‌شود تا به فهرست قابل‌قبولی برسد. همین‌طور از بحث‌های نظارتی لازم هم کمک می‌گیریم و از این فهرست برای دعوت افراد استفاده می‌کنیم. این کار مقداری سخت است چون فاصله زمان اطلاع از سفر رییس‌جمهور و دعوت افراد کوتاه است.

آیا آماری از تعداد دقیق ایرانیان خارج از کشور در دست دارید؟

آمارها حدودی و تخمینی است یعنی دقیق نیست، اما وزارت امورخارجه به‌عنوان دستگاه اصلی رصدکننده ایرانیان مقیم خارج، چیزی در حد پنج‌تا هفت‌میلیون نفر را اعلام می‌کند. قرار است امسال بانک جامع آماری ایرانیان خارج از کشور را با تمام قوا دنبال کنیم و سامان بدهیم.

آیا آماری در دست دارید که ایرانیان در چه تعداد از کشورهای دنیا حضور دارند؟

ایرانیان در تمام کشورهای دنیا هستند حتی در بعضی از جزایر کوچک هم ممکن است چند ایرانی حضور داشته باشد. اما این خیلی تعیین‌کننده نیست، تعیین‌کننده کشورهایی هستند که تمرکز ایرانیان در آنها بیشتر است. این را به صورت حدودی و حداقلی داریم، ایرانیان بیشتر در آمریکا، اروپا و آسیا تمرکز دارند، در قاره استرالیا هم البته هستند. آمار کل ایرانیان خارج از کشور بین پنج‌تا هفت‌میلیون‌نفر است. بیشترین تعداد مهاجران ایرانی به ترتیب فراوانی در آمریکا یک‌میلیون و ۴۰۰نفر، امارات متحده‌عربی ۸۰۰هزارنفر، انگلیس ۴۱۰هزارنفر، کانادا ۴۱۰هزارنفر، آلمان ۲۱۰هزارنفر، فرانسه ۱۵۵هزارنفر و سوئد ۱۱۰هزارنفر حضور دارند. البته به صورت غیررسمی آمار آمریکا تا دوبرابر بیشتر از این عدد هم گفته شده، یعنی شاید چیزی در حدود سه‌تا چهارمیلیون‌نفر.

آیا بعد از تغییر دولت تغییری در روند ارتباط‌گرفتن یا تمایل به برگشت ایرانیان خارج از کشور ایجاد شده است؟

شاید الان هنوز به‌صورت دقیق نتوان در این‌باره صحبت کرد اما من بر اساس اطلاعاتی که دارم به ضرس‌قاطع می‌توانم بگویم در دیدارهای متنوعی که با ایرانیان خارج از کشور و فضاسنجی‌ای که از آنها در بخش‌های مختلف دنیا انجام داده‌ایم، بسیار امیدوار و خوشبین به دولت و آینده و حضورشان در کشور هستند. ولی تحقق این خوشبینی بستگی به ما دارد که چقدر بتوانیم در این راستا حرکت کنیم.

شما مرکزی دارید به اسم ۲۷۷۷ برای رسیدگی به امور و درخواست‌های ایرانیان خارج از کشور، که ایرانیان مقیم خارج برای انجام کار یا دادن پیشنهاد با آن تماس می‌گیرند. آیا در بین این تماس‌ها افرادی هم هستند که اعلام کنند به دلایلی در گذشته اشتباهاتی مرتکب شده‌اند و حالا می‌خواهند برگردند و مشکلشان حل شود؟

بله مواردی مانند این بسیار فراوان است، مثلا فردی بوده که مشکل قضایی داشته ولی اینجا با یک تلفن مشکل او پیگیری و حل شده، یا بسیاری از کارهایی که حتی در گذشته ایرانیان مقیم خارج مجبور بودند برای انجام آن سفر کنند حالا با یک تلفن انجام می‌شود. مثلا کسی یک مشکل گذرنامه‌ای یا تردد دارد یا فرزند جدیدی دارد یا سربازی و... استعلام و گواهی می‌خواهد ما نیابتا برایش انجام می‌دهیم. ۱۳دستگاه مختلف اینجا نمایندگی دارند برای انجام‌دادن همین کارها.

دریچه

مرکزی برای رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور

شرق: به‌منظور حفظ ارتباط و تسریع در رسیدگی به مشکلات و مسایل ایرانیان خارج از کشور، از دیرباز ضرورت تاسیس نهادی در کشور برای پیگیری مسایل و مشکلات مختلف هموطنان مقیم خارج از کشور احساس می‌شد. در این راستا، اواخر سال ۱۳۸۳ «شورایعالی امور ایرانیان خارج از کشور» شکل گرفت که در بدو تاسیس بر اساس آیین‌نامه مصوب، شورایعالی زیرمجموعه وزارت امورخارجه قرار گرفت. با آغاز به‌کار دولت نهم و طبق نظر رییس‌جمهور، سطح و ساختار دبیرخانه ارتقا یافت و به نهاد ریاست‌جمهوری منتقل شد. این شورا با ساختار و تشکیلات جدید به‌منظور کاهش بوروکراسی در رفع مشکلات حقوقی، قضایی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی ایرانیان مقیم خارج فعال شده و مصوبات مربوط به این شورا به‌صورت کاملا تخصصی در هیات دولت مطرح شده و بررسی می‌شود. دفتر این شورا در ۳۰استان و در همه فرودگاه‌های بین‌المللی کشور تشکیل شده و آماده دریافت نظرات و رسیدگی به مشکلات ایرانیان مقیم خارج از کشور است. شورا همچنین در ۲۴ اسفند۱۳۸۸ اقدام به راه‌اندازی مرکز شبانه‌روزی رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور کرد. عدم‌آشنایی برخی از هموطنان خارج از کشور با قوانین و مقررات حوزه‌های مختلف اعم از نظام وظیفه، اقتصادی، بازرگانی، حقوقی، کنسولی، علمی و آموزشی و... از جمله دلایلی بود که نیاز به تاسیس چنین مرکزی را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. از زمان آغاز به‌کار رسمی این مرکز و استقرار نمایندگان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف، مرکز شبانه‌روزی به‌صورت آنلاین و ۲۴ساعته در خدمت هموطنان در سرتاسر دنیاست تا ضمن دریافت انتقادها و پیشنهادها به امورشان نیز رسیدگی شود. این مرکز نمایندگانی از هفت کارگروه شورایعالی شامل کارگروه‌های حقوقی، قضایی، کنسولی، علمی و آموزشی، فرهنگ و رسانه، دین و اندیشه، اقتصادی و بازرگانی، علوم و فناوری‌های نوین در نهاد ریاست‌جمهوری دارد که با حضور شبانه‌روزی در مرکز، آماده پاسخگویی به همه هموطنان در تمام ساعات شبانه‌روز است. هموطنانمان در خارج از کشور می‌توانند از طریق شماره تلفن ۲۷۷۷ با مرکز شبانه‌روزی رسیدگی به امور ایرانیان خارج تماس گرفته و با دریافت کد رهگیری، هرگونه پرسش خود را در زمینه‌های مختلف حقوقی- کنسولی، قضایی، علمی- آموزشی، اقتصادی و بازرگانی، فرهنگ و رسانه، دین و اندیشه، امور گذرنامه و اتباع، نظام وظیفه و... مطرح و پیگیری کنند.

با توجه به گستردگی نیازها و مشکلات هموطنان خارج از کشور و لزوم پیگیری سریع مسایل مرتبط با آنها، هم‌اکنون نمایندگان تام‌الاختیاری از وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌های مهم کشور در مرکز شبانه‌روزی رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور حضور دارند. این نمایندگان از سوی کارگروه مربوطه، مسوول رسیدگی به مسایل و مشکلات مختلف هموطنان خارج از کشور بوده و در حوزه‌های زیر آماده خدمت‌رسانی به هموطنان عزیز هستند: حقوقی و کنسولی، حقوقی و قضایی، نهاد ریاست‌جمهوری، نظام وظیفه، امور گذرنامه و اتباع، امور سجلی و ثبت احوال، علمی و آموزشی، بازنشستگی کشوری، مشاوره زنان و خانواده، اقتصادی و بازرگانی، کمیته امداد امام خمینی، فرهنگ و رسانه، امور دینی و مذهبی (پاسخگویی به پرسش‌های دینی)

نگاه

منع عقیم‌سازی نرخ باروری را افزایش نمی‌دهد

دکتر امیر عرفانی*

طی ۱۰سال گذشته میزان باروری (تعداد فرزندانی که انتظار می‌رود یک زن تا ۴۹ سالگی به‌دنیا آورد) در ایران زیر سطح جایگزین (کمتر از دوفرزند) بوده است. مطرح‌شدن موضوع کاهش باروری در کشور در دوسال گذشته همراه با واکنش‌ها و بحث‌های گوناگونی بوده است. گروهی از جمعیت‌شناسان و کارشناسان معتقدند با وجود کاهش نرخ باروری، جمعیت ایران تا سال‌های آینده با رشد مثبت فزاینده روبه‌رو خواهد بود و به‌واسطه وجود حجم انبوه جمعیت فعال کنونی، که در تاریخ جمعیت ایران بی‌سابقه بوده است، نباید نگرانی نسبت به کاهش جمعیت و پیری ساختار جمعیت داشت. این گروه معتقدند که برای افزایش باروری به بالای سطح جایگزین، نیاز به ایجاد رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی در کشور هستیم تا حجم انبوه جمعیت جوان کنونی تمایل بیشتری به ازدواج و فرزندآوری داشته باشند. در مقابل، در بین برخی مسوولان و سیاستگذاران کشور این نگرانی ایجاد شده است که چنانچه این نرخ پایین باروری در دهه‌های آینده ادامه یابد، به نسبت کاهش تعداد موالید، سهم درصد جمعیت سالخورده (افراد بالای ۶۵سال) در ساختار جمعیت نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه در آینده نه‌چندان دور ایران وارد مرحله سالخوردگی جمعیت خواهد شد، که این امر موجب کاهش سهم نیروی فعال در ساختار جمعیت می‌شود. برخلاف گروه اول، این دسته از مسوولان و سیاستگذاران در واکنش به کاهش باروری و کاهش احتمالی جمعیت در آینده، اقدام به تصویب بخشنامه‌ها، لوایح قانونی و برخی سیاست‌های تشویق موالید کرده‌اند، برای نمونه، براساس ماده‌ای از طرح «افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور»، که هم‌اکنون در حال بررسی و تصویب در مجلس شورای اسلامی است، عقیم‌سازی زنانه (توبکتومی) و عقیم‌سازی مردانه (وازکتومی) دو روش پیشگیری از بارداری غیرقانونی است. از آنجایی که هدف از غیرقانونی‌کردن عقیم‌سازی در این ماده قانونی «افزایش نرخ باروری» عنوان شده است، این مقاله پژوهشی بر آن شد تا با اتکا به یافته‌های علمی به دو پرسش زیر پاسخ دهد: ۱- آیا با محدودکردن ارایه خدمات تنظیم خانواده، از جمله عقیم‌سازی، نرخ باروری افزایش خواهد یافت؟ ۲- پیامدهای ممنوعیت ارایه این خدمات برای جمعیت زنان و کودکان چه خواهد بود؟

۱- آیا با محدودکردن ارایه خدمات تنظیم خانواده، از جمله عقیم‌سازی، نرخ باروری افزایش خواهد یافت؟

میزان کل باروری (Total Fertility Rate) شاخصی است که جمعیت‌شناسان استفاده می‌کنند تا تعداد کل فرزندانی که یک خانم می‌تواند طی ۳۵سال (از زمان شروع عادت ماهانه در حدود ۱۵سالگی تا زمان یائسگی در حدود ۴۹سالگی) به‌دنیا آورد را اندازه‌گیری کنند. چنانچه فرض کنیم که یک خانم از ۱۵سالگی تا پایان ۴۹سالگی پیوسته مزدوج بماند و با همسرش زندگی کند، هیچ اقدامی برای پیشگیری از بارداری انجام ندهد، عمدا اقدام به سقط حاملگی ناخواسته نکند و شیردهی در حد معمول داشته باشد، حداکثر تعداد فرزندان را می‌تواند به‌دنیا آورد. این «میزان حداکثری موالید» یک میزان فرضی است که در بین جوامع بشری متفاوت است. بدیهی است که به‌تاخیرانداختن ازدواج، پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته یا سقط عمدی آنها یا طولانی‌شدن دوران شیردهی (که کمک به تاخیرانداختن حاملگی بعدی می‌کند) میزان کل حداکثری باروری را به میزان کل واقعی باروری کاهش می‌دهد. برای مثال، خانمی که در ۳۰سالگی ازدواج می‌کند، ۱۵سال از سنین قابلیت بارداری را از دست می‌دهد. این چهارعامل اصلی کاهنده باروری (تاخیر در ازدواج، پیشگیری از بارداری، سقط عمدی جنین و شیردهی) به‌طور مستقیم بر میزان کل باروری تاثیر می‌گذارند؛ از این روی آنها را عوامل اصلی بلافصل تعیین‌کننده میزان باروری می‌نامند. هدف اصلی این پژوهش، سنجش دقیق سهم هریک از این عوامل بلافصل بر کاهش میزان باروری شهر تهران بود. در این میان، سهم روش‌های زنانه پیشگیری از بارداری، که عمدتا توسط مراکز بهداشتی در شهرها و خانه‌های بهداشت در روستاها، به متقاضیان ارایه می‌شد و سهم روش عقیم‌سازی زنانه (توبکتومی) و عقیم‌سازی مردانه (وازکتومی) اندازه‌گیری می‌شود تا نشان دهیم چنانچه ارایه تمامی روش‌های زنانه پیشگیری از بارداری (شامل توبکتومی، آیودی، تزریق، کاشت کپسول و قرص) یا وازکتومی محدود، قطع شود، میزان کل باروری تا چه حد افزایش می‌یابد.

۲) پیامدهای ممنوعیت ارایه خدمات پیشگیری از بارداری (به‌ویژه توبکتومی و وازکتومی) چه خواهد بود؟

حالا این پرسش مطرح می‌شود که با وجود سهم اندک استفاده از روش‌های عقیم‌سازی در کاهش نرخ باروری، اگر این روش‌ها غیرقانونی اعلام شود و دسترسی بهداشتی و استاندارد به آنها مشکل شود چه زیر گروه‌های اقتصادی-اجتماعی جمعیت خانم‌ها بیشتر با بارداری‌های ناخواسته و احتمالا سقط‌های غیرایمن و مرگ‌ومیرهای ناشی از آن مواجهه خواهند شد. سایر یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های زنانه (به‌خصوص عقیم‌سازی زنانه و آیودی، تزریق و کاشتن کپسول زیر پوستی) و روش عقیم‌سازی مردانه (وازکتومی)، که تحت پوشش برنامه دولتی تنظیم خانواده بوده است، بیشتر توسط افراد زیر استفاده می‌شود: ساکنین مناطق روستایی کشور، افرادی از طبقات درآمدی و سطح تحصیلات پایین‌تر و کسانی که حد اقل دو فرزند دارند و دیگر هیچ فرزندی نمی‌خواهند. بنابراین، چنانچه دسترسی آسان، کم‌هزینه و ایمن به این روش‌های پیشگیری از بارداری، محدود یا غیرممکن شود، این گروه از جمعیت زنان کشور، که عمدتا از طبقات اقتصادی-اجتماعی پایین جامعه هستند، با بارداری‌های ناخواسته روبه‌رو خواهند شد.

ادامه در صفحه ۱۴